



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۸ محرم الحرام ۱۴۳۴

جلسه: ۱۱

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: ادله تحریف - روایات

سال: سوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تا اینجا در مورد سه طائفه از روایات که به استناد آنها مدعی وقوع تحریف در قرآن شده‌اند بحث کردیم و مشخص شد هیچ کدام از این روایات طوائف ثلاثه بر تحریف دلالت ندارد. سه طائفه دیگر باقی مانده که این سه را هم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### طائفه چهارم:

روایاتی که دلالت بر نقص بعضی آیات از برخی کلمات و یا نقص بعضی از آیات از بعضی سور دارد؛ یعنی یا یک کلمه‌ای از یک آیه کم شده و یا آیه‌ای از سوره‌ای کم شده که این عین مدعای به وقوع تحریف است؛ چون بحث در وقوع تحریف به نقیصه در قرآن است و لازمه این روایات هم وقوع تحریف به نقیصه است.

**روایت اول:** عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ بِوَلَايَةِ الشَّيَاطِينِ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ»<sup>۱</sup> این روایت می‌گوید اصل آیه این بوده که در قرآن موجود این آیه نقص دارد.

**روایت دوم:** عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ (ع) بِهَذِهِ الْآيَةِ عَلَى مُحَمَّدٍ (ص) هَكَذَا «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» فِي عَلِيٍّ بَغْيًا.<sup>۲</sup> که در قرآن موجود کلمه فی علی وجود ندارد.

**روایت سوم:** عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ بِظُلْمِهِ وَ سَوْءِ سِيرَتِهِ - وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»<sup>۳</sup> این آیه هم در مقایسه با آیه موجود در قرآن کنونی اضافه‌ای دارد.

**روایت چهارم:** عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) الرَّجْمُ فِي الْقُرْآنِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا زَنَّ الشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ فَإِنَّهُمَا قَضِيَا الشَّهْوَةَ<sup>۴</sup> این بخش اخیر آیه در قرآن موجود، نیست.

روایات دیگری هم وارد شده که در همه آنها این نکته وجود دارد که آنچه که در قرآن موجود از سور و آیات وجود دارد نسبت به آنچه که در قرآن اصلی وجود دارد یا کلمه‌ای و یا آیه‌ای کم دارد پس مطلوب که همان تحریف به نقیصه است ثابت می‌شود.

#### بررسی طائفه چهارم:

۱. الکافی، طبع الإسلامیة، ج ۸، ص ۲۹۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۱۷.

۳. همان، ج ۸، ص ۲۸۹.

۴. همان، ج ۷، ص ۱۷۷.

این طائفه هم مانند طوائف قبلی دلالت بر تحریف به نقیصه در قرآن ندارد و همان جواب‌هایی که به طوائف قبلی دادیم به این طائفه هم داده می‌شود:

**اولاً:** این روایات مخالف با قرآن است که امر شده‌ایم به اینکه روایات مخالف با قرآن را باید کنار بگذاریم لذا مشکله اصلی این روایات مخالف بودن آنها با قرآن است.

**ثانیاً:** این روایات، معارض دارد که قبلاً هم معارض این روایات را ذکر کردیم.

**ثالثاً:** بعضی از این روایات ضعف سندی دارد.

#### طائفه پنجم:

روایاتی که دلالت می‌کند بر اینکه بعضی از کلمات قرآن پس از زمان پیامبر (ص) تغییر داده شده؛ یعنی بعضی کلمات به جای بعضی کلمات دیگر قرار داده شده لذا این روایات از جهتی دلالت بر وقوع تحریف به زیاده در قرآن می‌کند و از جهتی هم دلالت بر وقوع تحریف به نقیصه می‌کند، اینکه کلمه‌ای برداشته شود تحریف به نقیصه است و اینکه این کلمه را در جای دیگری بگذارند تحریف به زیاده است و یا حتی اگر در همان موضع کلمه دیگری به جای کلمه برداشته شده بگذارند در همان نقطه از یک جهت تحریف به زیاده صورت گرفته و از جهتی هم تحریف به نقیصه واقع شده است.

**روایت اول:** عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَرَأَ «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَغَيْرِ الضَّالِّينَ»<sup>۱</sup>.

طبق این روایت در این آیه کلماتی جابجا شده و بجای الذین کلمه من ذکر شده و به جای والاضالین، غیر الضالین آمده است.

**روایت دوم:** «وَقَرَأَ وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ ضَعْفَاءُ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا كَانُوا أَذَلَّةً وَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِيهِمْ»<sup>۲</sup>.

**روایت سوم:** روایت هشام بن سالم، قال: سئلت أبا عبد الله (ع) عن قوله تعالى «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ مَرْوَانَ، قَالَ: هُوَ آلُ إِبْرَاهِيمَ وَ آلُ مُحَمَّدٍ (ص) عَلَى الْعَالَمِينَ»<sup>۳</sup>، در این آیه اسمی به جای اسم دیگر قرار داده شده است.

**روایت چهارم:** یکی از اصحاب می‌گوید: تلوت بین یدی ابی عبدالله (ع) هذه الآية «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ» فقال: بلى و شىء و هل الامر كله الا له (ص) و لكنّها نزلت «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ إِنْ تَبْتَ عَلَيْهِمْ أَوْ تَعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ»<sup>۴</sup>؛ من این آیه را که خطاب به پیامبر (ص) است که می‌فرماید: تو اختیاری نداری، در مقابل امام صادق (ع) تلاوت کردم، حضرت فرمودند: آیه به این نحو نازل شده که من می‌خوانم.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۹، باب ۲۹، ص ۲۳۰.

۲. همان، باب ۷، ص ۶۳.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸، حدیث ۳۰.

۴. التنزیل و التحریف، للسياری، ص ۱۵ و ۱۶.

پس مجموعاً از این روایات استفاده می‌شود که بعد از زمان پیامبر (ص) کلماتی از قرآن تغییر داده شده و این تغییر به نوعی تحریف به زیاده یا نقیصه است.

### بررسی طائفه پنجم:

این طائفه هم دلالت بر مدعا ندارد؛ چون علاوه بر اشکال سندی اکثر روایات این طائفه؛

**اولاً:** مشکل اصلی این است که مضمون این روایات باطل است چون مخالف با کتاب است و طبق روایات دال بر عرضه روایات به قرآن، روایاتی که مخالف با کتاب باشد باید کنار گذاشته شوند و باطل‌اند لذا مشکل اصلی این روایات مخالفت آنها با قرآن است.

**ثانیاً:** این در واقع همان تحریف به زیاده است؛ چون شما می‌گویید یک کلمه‌ای را برداشته و کلمه دیگر جای آن گذاشته‌اند که این تحریف به زیاده است نه تحریف به نقیصه که مورد بحث است و تحریف به زیاده چون مخالف با اجماع همه مسلمین است اساساً از محل نزاع خارج است.

**ثالثاً:** در نمونه‌هایی که در روایات ذکر شده این تغییرات هیچ فائده و نفع و خاصیتی بر آن مترتب نیست؛ مثلاً اینکه به جای صراط من أنعمت علیهم صراط الذین أنعمت علیهم گفته شده باشد هیچ اختلافی در مضمون این آیات ایجاد نمی‌کند که اگر تغییری در مضمون ایجاد نکرد مسئله این است که چه لزومی داشته که آن را تغییر بدهند چون تغییر و تبدیل باید غرض و فائده‌ای داشته باشد در حالی که هیچ فائده‌ای بر این تغییرها مترتب نیست.

### طائفه ششم:

روایاتی که دلالت بر ذکر اسامی اشخاصی در بعضی آیات قرآن می‌کند و به استناد این روایات، معلوم می‌شود که اسامی بعضی از افراد در قرآن بوده لکن محرفین آنها را حذف کرده و تنها اسم ابولهب را به احترام پیامبر (ص) باقی گذاشته‌اند که چون با پیامبر (ص) نسبت داشته اسم او را حذف نکرده‌اند.

**روایت اول:** عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ سَبْعَةً بِأَسْمَائِهِمْ فَمَحَتْ قُرَيْشٌ سِتَّةً وَ تَرَكَوا أَبَا لَهَبٍ»، خداوند در قرآن اسم هفت نفر را ذکر کرده و قریش اسامی شش نفر از اینها را محو کردند و تنها اسم ابولهب را باقی گذاشتند.

**روایت دوم:** عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: «دَفَعَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ (ع) مُصْحَفًا وَقَالَ لَا تَنْظُرُ فِيهِ فَفَتَحْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيهِ «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا» فَوَجَدْتُ فِيهَا اسْمَ سَبْعِينَ رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ قَالَ فَبَعَثَ إِلَيَّ ابْنِي بِالْمُصْحَفِ»؛ راوی می‌گوید: امام رضا (ع) مصحفی به من دادند و فرمودند در آن نگاه نکن اما من آن را باز کردم و آیه «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا» را

۱. رجال الکشی، ص ۲۹۰.

۲. الکافی، طبع الاسلامیه، ج ۲، ص ۶۳۱.

خواندم، پس اسم هفتاد نفر از قریش را در این کتاب دیدم، وقتی این کار را کردم امام (ع) کسی را فرستاد و فرمودند: قرآن را به من برگردان.

این روایات دال بر تحریف به تقیصه در قرآن است چون اسم اشخاصی در قرآن اصلی وجود داشته که از قرآن فعلی حذف شده است.

#### **بررسی طائفه ششم:**

به نظر می‌رسد این طائفه هم دلالت بر مدعا ندارد، بعضی از اشکالات این طائفه همان اشکالاتی است که در طوائف قبلی به آنها اشاره شد.

**اولاً:** این روایات مخالف با روایات عرض به کتاب است که می‌گویند روایات را به کتاب عرضه کنید و اگر مخالف با کتاب بود آنها را طرح کنید و این روایات هم با قرآن ناسازگار است لذا باید طرح شود.

**ثانیاً:** چرا اسم همه حذف شده و اسم ابولهب باقی گذاشته شده و آیا با اینکه ابولهب دشمن دین و رسول الله (ص) بود باقی گذاشتن اسم او احترام به پیامبر (ص) محسوب می‌شود، لذا دلیلی برای باقی گذاشتن اسم او وجود ندارد. همچنین در مورد روایت اخیر که حضرت قرآنی را به شخص می‌دهند و می‌فرمایند آن را باز نکن ولی آن شخص آن را باز کرده و خوانده است دلیل بر ضعف روایت می‌باشد.

پس در مجموع از این شش طائفه از روایات، هیچ کدام بر وقوع تحریف به تقیصه در قرآن دلالت نمی‌کند، پس دلیل چهارم که روایات باشد هم نمی‌تواند تحریف در قرآن را اثبات کند.

«والحمد لله رب العالمین»